

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال یازدهم، شماره بیست و دوم (پاییز و زمستان ۱۴۰۳)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهبانندی

دبیر تحریریه:

محمد رضا محمودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمد شیرینکار موحد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

علی فراهانی

طراح:

حمیدرضا پور حسین

صفحه آرا:

صفر علی اخلاقی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد رضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

- علی نهبانندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markafeqhi.com

قیمت: ۱۴۰۰۰۰۰ ریال

ruling of corruption on earth. According to the scope of paragraph D of the mentioned law, if the amount of opium is more than 50 kilos, execution is applied while the application of corruption title in their case is doubtful and its absoluteness is also jurisprudentially incomplete.

Keywords: Moharebeh, Corruption on Earth, Drug Crimes, Jurisprudential Evidence

Jurisprudential Challenges in Applying War (Moharebeh) and Corruption in the Four Paragraphs of Article 45 Amendment to Anti-Narcotics Law

*Gholamreza Ashouri*¹

*Hojjatollah Fathi*²

*Mohammad Ali Heidari*³

Abstract

Article 45 Amendment to Anti-Narcotics Law considers death penalty for four groups of drug offenders in four paragraphs. This article examines the jurisprudential challenges of the four existing paragraphs in Article 45, and the most important research question is what are the jurisprudential challenges in applying moharebeh and corruption in the four paragraphs of Article 45 Amendment to Anti-Narcotics Law? This research, using descriptive-analytical method and library sources, has concluded that in paragraph A of the amendment, smugglers who carry weapons are sentenced to death as mohareb, while the application of mohareb merely for carrying weapons without drawing them and intending to frighten people is prohibited. In paragraph B, the legislator mentioned age 18 for execution while the age of maturity for boys is fifteen lunar years and for girls nine lunar years, and the age of growth in jurisprudence and law is not restricted to 18 years, and the number 18 years cannot be derived from jurisprudence and law. Also, according to paragraph C of this law, if someone previously sentenced to fifteen years imprisonment buys and sells drugs, they are sentenced to death while this absoluteness is flawed because the elements of corruption on earth crime do not apply in all these cases, and in cases of doubt about the application of corruption on earth, one cannot apply the

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Legal Foundations, Islamic Azad University, Najafabad Branch; Qolam2010@yahoo.com

2. Assistant Professor at the Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran; Corresponding Author; fathiamoli@yahoo.com

3. PhD Student, Department of Jurisprudence and Islamic Legal Foundations, Islamic Azad University, Najafabad Branch; h1.heidari@yahoo.com

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال یازدهم، شماره بیست و دوم (پاییز و زمستان ۱۴۰۳)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵

چالش‌های فقهی تطبیق محاربه و افساد در بندهای چهارگانه ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدری

غلامرضا آشوری^۱

حجت‌الله فتحی^۲

محمدعلی حیدری^۳

چکیده

ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر در چهار بند، مجازات اعدام را برای چهار گروه از مجرمین مواد مخدر در نظر گرفته است. در این مقاله چالش‌های فقهی بندهای چهارگانه موجود در ماده ۴۵ مورد بررسی قرار گرفته است و مهم‌ترین پرسش تحقیق پیش رو این است که چالش‌های فقهی تطبیق محاربه و افساد در بندهای چهارگانه ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر چیست؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده است که در بند الف ماده الحاقی، قاچاقچیان که همراه خود سلاح دارند را از باب محارب، محکوم به اعدام دانسته است؛ درحالی که صدق محارب به مجرد همراه داشتن سلاح بدون کشیدن سلاح و قصد اخافه مردم، ممنوع است. در بند ب، قانون‌گذار سن ۱۸ سال را برای اعدام ذکر کرد درحالی که سن بلوغ برای پسر پانزده سال قمری و برای دختر نه سال قمری است و سن رشد نیز در فقه و حقوق، مقید به ۱۸ سال نیست و عدد ۱۸ سال از فقه و

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد،

ایران؛ Qolam2010@yahoo.com

۲. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران؛ fathiamoli@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران؛

h1.heidari@yahoo.com

حقوق قابل استفاده نیست. همچنین بر اساس بند پ این قانون، کسی که قبلاً به حبس پانزده سال محکوم شده است اگر مواد مخدر خرید و فروش کند، محکوم به اعدام می‌شود درحالی‌که این اطلاق مخدوش است؛ زیرا ارکان جرم افساد فی الارض در همه این موارد نیز صدق نمی‌کند و در موارد شک در صدق افساد فی الارض، نمی‌توان حکم افساد فی الارض را مترتب کرد. طبق گستره بند ت قانون مزبور اگر مقدار تریاک بیش از ۵۰ کیلو باشد اعدام می‌شود درحالی‌که صدق عنوان افساد در مورد او مشکوک بوده و اطلاق آن نیز از نظر فقهی ناتمام است.

کلیدواژه‌ها: محاربه، افساد فی الارض، جرائم مواد مخدر، ادله فقهی.

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و...، مصوب ۱۳۵۹ مجازات وارد کردن، ساخت، فروش یا در معرض فروش گذاشتن بیش از یک کیلوگرم تریاک یا مواد هم ردیف آن یا ساخت، فروش، یا در معرض فروش قرار دادن حتی یک گرم یا نگهداری، مخفی یا حمل کردن بیش از ۵ گرم مرفین، هروئین و مواد هم ردیف آن، مجازات اعدام داشت و سایر اعمال مجرمانه مرتبط با مواد مخدر، مجازات‌های سنگینی در پی داشت.

پس از آن، قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۱۳۶۷ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. بر اساس ماده ۴ این قانون هرکس بنگ، چرس، تریاک، شیر، سوخته و یا تفاله تریاک را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر و ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد و مواد مخدر مکشوفه بیش از پنج کیلوگرم، به «اعدام» و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم، محکوم می‌گردید.

و بر اساس ماده ۸ قانون پیش‌گفته، هرکس هروئین، مرفین، کوکائین، و دیگر مشتقات شیمیائی مرفین و کوکائین را وارد کشور کند، یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید و فروش نماید یا در معرض فروش قرار دهد و نگهداری، مخفی یا حمل کند و مواد مخدر مکشوفه بیش از سی گرم، اعدام و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم، محکوم می‌گردید.

بعد از آن در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ اصلاحاتی در قانون مبارزه با مواد مخدر

صورت پذیرفت لکن مجازات‌ها تقلیل نیافت؛ بلکه در مواردی نیز افزایش یافت. در آخرین اراده قانون‌گذار ایران ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر به تصویب رسید و تغییرات شگرفی در مجازات‌های قوانین سابق به وجود آورد که روند تقنین ماده فوق، به اختصار از نظر می‌گذرد.

ماده ۴۵ الحاقی توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت و از جمله لوایح و قوانینی نبود که در مجمع تشخیص مصلحت نظام طرح و تصویب شود تا به عنوان مصدق از حکم حکومتی تلقی شود. بنابراین، فرایند تصویب این ماده واحده نیز حاکی از آن است که بر مبنای حکم حکومتی صادر نشده است و بر طبق قواعد و مبانی فقهی تدوین شده است. اینجاست که لازم است دقت شود آیا این ماده ۴۵ الحاقی بر طبق قواعد و مبانی فقهی تدوین شده است و مجازات اعدام برای مواد مخدر را فقه اسلامی به خصوص فقه شیعی برمی‌تابد؟

نسبت به پیشینه این بحث و نوآوری مقاله پیش رو می‌توان گفت که در مقاله «تحلیل انتقادی مبانی فقهی ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر با تأکید بر فقه فریقین»^۱ به صورت کلی و بدون تمرکز بر محتوای تک‌تک بندهای ماده ۴۵ مذکور به بررسی و نقد ادله و مبانی فقهی تعیین انحصاری مجازات اعدام، برای قاچاقچیان مواد مخدر پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مبانی و ادله فقهی موافق با اعدام نیست و اعدام حدی و اعدام تعزیری در مورد ماده ۴۵ الحاقی صحیح نیست؛ ولی مقاله حاضر به تفصیل به نقد و تحلیل هر یک از بندهای چهارگانه ماده ۴۵ الحاقی مذکور و تطبیق مصدق آن با موازین فقهی پرداخته است.

همچنین مقاله دیگری با عنوان «تحلیل ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر با هدف محدودسازی مجازات اعدام» وجود دارد که نویسنده آن به بررسی امکان جریان عفو رهبری و تخفیف در مجازات اعدام برای مواد مخدر پرداخته و به این نتیجه رسیده است که با تمسک به بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی عفو رهبری

۱. دوفصلنامه علمی فقه مقارن/ سال دهم/ شماره ۱۹/ بهار و تابستان، ۱۴۰۱/ صص ۱۰۵-۱۳۱؛ نویسندگان:

غلامرضا آشوری، حجت‌الله فتیحی، محمدعلی حیدری.

و همچنین به استناد ماده ۲۱۹ ق.م.ا. و ۱۱۴ ق.م.ا. در رابطه با پذیرفتن توبه و عفو مجازات اعدام برای مواد مخدر قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است. (ر.ک: کاکاوند و دیگران، ۱۳۹۸، تحلیل ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر با هدف محدودسازی مجازات اعدام است.)

همچنین، مقاله دیگری در مورد «واکاوی سیاست جنایی قانون‌گذار در ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر»^۱ وجود دارد که به نقد و ارزیابی تاثیر اعدام و بازدارندگی آن در کاهش جرم اعتیاد و تجارت آن پرداخته است. موضوع این مقاله با موضوع مقاله حاضر بسیار متفاوت است و ناظر به سیاست جنایی است و به تحلیل فقهی و حقوقی متن ماده ۴۵ الحاقی نپرداخته است.

در مقاله حاضر با تطبیق جرم محاربه بر بند الف ماده مذکور به بیان چالش‌های اعدام قاچاقچیان از باب جرم محاربه پرداخته است؛ سپس با تطبیق جرم افساد فی الارض بر سایر بندهای ماده مذکور به بیان چالش‌های اعدام قاچاقچیان از باب جرم افساد فی الارض پرداخته است و کلیت اعدام ذکر شده است. در این بندها به جهت تطبیق، این دو جرم را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و ارکان این دو جرم را بر بسیاری از بندهای ماده مذکور قابل تطبیق ندانسته است و در ادامه پیشنهاد اصلاحی خویش را بیان کرده است.

پیش از نقد و بررسی فقهی مجازات اعدام در ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶، لازم است متن این ماده بیان شود، تا بتوان بندهای مختلف این ماده را نقد و بررسی کرد. قانون‌گذار در این ماده مقرر می‌دارد: «مرتکبان جرایمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند در صورت احراز یکی از شرایط ذیل در حکم مفسد فی الارض می‌باشند و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روان‌گردان محکوم و در غیر این صورت حسب مورد «مشمولین به اعدام» به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و «مشمولین به حبس ابد» به حبس و جزای نقدی درجه دو و در

۱. نشریه: آموزه‌های حقوق کیفری، سال ۱۳۹۹/ دوره ۱۷/ شماره ۱۹/ صص ۲۴۹-۲۷۲؛ نویسندگان: موسوی

هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان محکوم می‌شوند:

الف) مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم، سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند. منظور از سلاح در این بند، سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ است.

ب) در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار را داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.

پ) مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرایم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال داشته باشد.

ت) کلیه جرایم موضوع ماده (۴) این قانون مشروط بر این که بیش از پنجاه کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط بر این که بیش از دو کیلوگرم باشد و در خصوص سایر جرایم موضوع تبصره ماده (۸) در صورتی که بیش از سه کیلوگرم باشد.

اجرای این بند نسبت به مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم‌الاجرا شدن این ماده منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای (الف)، (ب) یا (پ) نیز است.

تبصره: در مورد جرایم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از پنج سال دارد در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود، جز در مورد مصادیق تبصره ماده (۳۸) مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به استثنای عفو مقام معظم رهبری مذکور در بند (۱۱) اصل یک‌صد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی بهره‌مند نخواهد شد و در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی صادر شود، دادگاه می‌تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت پنج تا ده سال تعلیق کند.

اکنون پس از ذکر این ماده و بیان پیشینه آن به نقد و بررسی فقهی بندهای

چهارگانه می‌پردازیم:

۱. نخستین چالش فقهی ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر

ابتدای ماده ۴۵ مذکور گفته شده است: «در صورت احراز یکی از شرایط ذیل در حکم مفسد فی الارض می‌باشند و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روان‌گردان محکوم...» آیا منظور قانون‌گذار از در حکم مفسد فی الارض بودن این است که موارد ذکر شده اگر چه مفسد فی الارض نیستند؛ ولی در نظر قانون‌گذار حکم مفسد فی الارض را دارند؟ در این صورت باز هم باید ماده مذکور را صرف تعبد و حکم حکومتی بدانیم که بر اساس مصلحت نظام، صادر شده است و باید ماده ۴۵ الحاقی نیز از ناحیه مجمع تشخیص مصلحت نظام صادر می‌شد نه از قانون‌گذاری در مجلس شورای اسلامی و تصویب در شورای نگهبان.

این اشکال را شاید با قطع نظر از این که همه مصادیق ذکر شده در بندهای مذکور مصداق مفسد فی الارض نیستند بتوان چنین پاسخ داد؛ منظور قانون‌گذار این بوده که برخی از بندهای ذکر شده در ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصداق محارب و برخی از این بندها مصداق مفسد فی الارض هستند و چون حکم محارب همانند حکم مفسد فی الارض است؛ لذا قانون‌گذار خواسته با جمله در حکم مفسد فی الارض هستند شامل حکم محارب هم بشود. به هر تقدیر صدر ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر از نظر نوشتاری ضعیف بوده و این شبهه را به دنبال دارد و لازم است تک‌تک بندهای ذکر شده در این ماده را بررسی کنیم تا ببینیم آیا این موارد مصداق مفسد یا محارب هستند، و چه مقدار این بندها بر فقه امامیه قابل تطبیق است.

۲. نقد اطلاق بند الف ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر

یکی از اشکالات فقهی به مجازات اعدام مقرر در ماده ۴۵ الحاقی آن است که بر طبق اطلاق بند (الف) ماده مذکور، مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا، حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند را در حکم مفسد فی الارض دانسته است، سؤال این است: آیا صرف همراه داشتن سلاح مصداق محاربه و در حکم افساد فی الارض است؟ آن

هم با توسعه‌ای که نسبت به سلاح داده و نوشته است: «منظور از سلاح در این بند، سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه، مهمات، دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ می‌باشد.» این امر قطعاً بر خلاف تعریف محارب در ماده ۲۷۹ ق.م.ا. مصوب ۹۲ و نیز برخلاف تعریف مشهور فقها از جمله امام خمینی علیه السلام از جرم محاربه است. تعریف امام خمینی علیه السلام از جرم محاربه این چنین است:

«المحارب هو كل من جرّد سلاحه أو جهّزه لإخافة الناس و ارادة الإفساد فی الأرض؛ محارب هر آن کسی است که شمشیرش را برهنه می‌کند یا آن را تجهیز می‌نماید تا مردم را بترساند و می‌خواهد در زمین افساد نماید» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۲).

درحالی که در فرض این ماده ممکن است اسلحه‌ی مباشر یا شریک جرم در غلاف بوده یا تجهیز نشده و به همراه داشتن اسلحه به قصد دفاع یا درگیری با شخص دیگری یا حفظ خود بوده است و به قصد مقابله با حکومت نیست؛ لذا اطلاق در حکم مفسد فی الارض دانستن حامل سلاح به صرف اینکه قصد مقابله با مأموران را داشته باشد بدون آنکه سلاح را کشیده یا تجهیز کرده باشد و بدون آنکه منجر به ناامنی در محیط شود، خلاف موازین شرع و تعریف قانون‌گذار از محارب در ماده ۲۷۹ ق.م.ا. است.

در جلسه بررسی این ماده در شورای نگهبان، برخی از فقهای شورای نگهبان با توجه به تعریف مشهور فقها از افساد فی الارض و محاربه، صرف نگهداری سلاح را توسط حاملان مواد مخدر، مصداق مفسد فی الارض و محاربه ندانسته‌اند؛ لذا از این جهت اشکال فقهی و شرعی به ماه ۴۵ الحاقی دارند. (ر.ک: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶، صص ۸-۹) لکن و درعین حال ماده ۴۵ الحاقی به همان نحو مطلق، به تصویب نهایی و تأیید رسید و همچنان اشکال فقهی پیش‌گفته به آن وارد است.

برای تحقیق و بررسی بیشتر اشکال باید ارکان و شرایط فقهی تحقق جرم محاربه را بررسی کرده و سپس تحقق این ارکان و شرائط را در مورد قاچاقچیان مواد مخدر در برخی از موارد بند الف ماده الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر نتیجه گرفت.

ارکان جرم محاربه بر اساس ماده ۲۷۹ ق.م.ا. چنین است:

عنصر مادی

- ۱- کشیدن سلاح (رکن رفتار فیزیکی)
 - ۲- سلاح بودن چیزی که کشیده می‌شود و عمومیت داشتن جرم محاربه (شرایط لازم برای ارتکاب جرم)
 - ۳- بر هم خوردن امنیت در محیط (رکن نتیجه)
 - ۴- وجود رابطه سببیت عرفی بین کشیدن اسلحه و بر هم خوردن امنیت (وجود رابطه سببیت بین عمل مرتکب با عنصر نتیجه)
- عنصر روانی

- ۱- عمد در کشیدن سلاح (سوءنیت عام)
 - ۲- آگاهی از سلاح بودن آنچه آشکار شده و مدنظر قراردادن عمومیت جرم (علم و آگاهی)
 - ۳- قصد برهم‌زدن امنیت عمومی (سوءنیت خاص)
 - ۴- قصد تعرض به جان و مال یا قصد إخافه و ارباب مردم (انگیزه)
- با توجه به ارکان ذکر شده به‌خوبی مشخص می‌شود که اطلاق بند الف از نظر حقوقی در موردی که فقط سلاح به همراه داشته تحقق نیافته است. در اینجا لازم است، برخی از شروط محاربه از کلمات فقیهان بررسی شود:

۲-۱. اسلحه کشیدن

در این زمینه لازم است، موضوع را از این جهت مورد بررسی قرار دهیم که آیا فقیهان امامیه نیز اسلحه کشیدن را شرط تحقق عنوان مجرمانه محاربه می‌دانند، این مطلب در فقه، مورد اختلاف نظر فقیهان است.

۲-۱-۱. دیدگاه نخست: شرط بودن تجرید سلاح (اسلحه کشیدن)

مشهور فقیهان کشیدن سلاح را در تعریف محاربه آورده‌اند و آن را در تحقق این عنوان لازم شمرده‌اند. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۴۲۵) برای نمونه عبارات برخی از فقها در تعریف محاربه آورده می‌شود.

محقق حلی می‌نویسد: «المحارب كل من جرد السلاح لإخافة الناس في بر أو بحر ليلاً كان أو نهاراً في مصر و غيره؛ محارب کسی است که برای ترساندن مردم اسلحه کشیده است در خشکی باشد یا دریا، شب باشد یا روز، در شهر باشد یا غیر آن» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۶۷).

در بسیاری از کتب فقهی دیگر فقیهان اعم از متقدمین، متأخرین و معاصرین نیز به لزوم اسلحه کشیدن در پیدایش عنوان مجرمانه مزبور تصریح شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۴؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۴۷؛ خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۱، ص ۳۸۵).

مستند این اندیشه روایات متعددی است که در ذیل نمونه‌ای از آن را می‌آوریم: روایت محمد بن مسلم که در کلام فقیهان از آن به صحیح یاد شده است. (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۲۰۲) محمد بن مسلم از امام محمدباقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هر کسی در شهری از شهرها سلاح بکشد و مرتکب جنایت (ضرب و جرح) شود، پس از قصاص، از شهر تبعید می‌شود و کسی که در بیرون از شهر سلاح بکشد و مرتکب ضرب و جرح و غارت شود ولی مرتکب قتل نشود، محارب است و کیفر او کیفر محارب است و امر او به اختیار امام است، و...» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۲۴۸).

۲-۱-۲. دیدگاه دوم: کافی بودن حمل سلاح در تحقق عنوان محاربه

برخی فقیهان امامیه، بر این باورند که برای تحقق عنوان محاربه، الزامی به کشیدن سلاح وجود ندارد؛ بلکه همین اندازه که سلاح به همراه مهاجم باشد، کفایت می‌کند. صاحب جواهر در تعریف محارب می‌گوید: «المحارب كل من جرد السلاح أو حمله لإخافة الناس ولو واحد لواحد علی وجه يتحقق به صدق إرادة الفساد فی الأرض؛ محارب، کسی است که سلاح بکشد یا سلاح به همراه داشته باشد و مقصود وی ترساندن مردم است؛ هرچند یک نفر بوده و هدفش نیز ترساندن یک نفر باشد و به گونه‌ای باشد که اراده فساد بر روی زمین صادق باشد.» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۵۶۴) این مبنا می‌تواند اطلاق بند الف را تصحیح کند؛ لکن گذشته از این که این مبنا خلاف دیدگاه مشهور است، همه معاصرین از جمله امام خمینی علیه السلام نیز این مبنا را نپذیرفته‌اند و برخلاف قاعده درء و احتیاط در دماء است.

۲-۲. قصد تعرض به جان و مال مردم یا اخافه و ارباب آنان ولو یک نفر

قبل از ذکر کلام فقها، ذکر این نکته لازم است که اگر قصد جان و مال مردم را دارد به تبع آن قصد اخافه و ارباب آنان هم وجود دارد؛ زیرا فرد عاقل وقتی امری را قصد می‌کند نتیجه آن نیز مقصود او است و چون با تعرض به جان و مال مردم همراه با تجرید سلاح، ارباب و اخافه نیز محقق می‌شود، پس او قصد اخافه و ارباب را هم دارد. به این نکته در برخی از کلمات فقیهان که بعداً ذکر می‌شود نیز تصریح شده است.

به هر تقدیر، بسیاری از فقیهان امامیه قصد اخافه و ترساندن مردم ولو به سبب قصد تعرض به جان و مال مردم را در تعریف محاربه آورده‌اند. (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ص ۲۵۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۵۰۵) براین اساس، چنانچه قصد اخافه وجود نداشته باشد، جرم محاربه تحقق نمی‌یابد. برای مثال، محقق حلی در تعریف محاربه می‌گوید: «المحارب کل من جرد السلاح لإخافة الناس فی بر أو بحر لیلا کان أو نهارا فی مصر و غیره؛ محارب کسی است که برای ترساندن مردم اسلحه بکشد خواه در خشکی باشد یا در دریا، شب باشد یا روز، در شهر باشد یا غیر شهر» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۶۷).

بر اساس نظر جمعی از فقیهان: «قدر متیقن که مورد توافق و فتوای فقها نیز هست، این است که ملاک محارب، تشهیر سلاح به قصد اخافه است و صدق و تحقق آن، به صرف اخافه، بدون اسلحه کشیدن، یا اسلحه کشیدن، بدون قصد اخافه، مشکل است.» (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۴۴۳ و نیز ر.ک؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۲۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۵۶۶؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۵۱۷).

صاحب ریاض در استدلال بر لزوم داشتن قصد مزبور می‌نویسد: «دلیل شرط بودن قصد اخافه در محاربه، افزون بر اتفاق نظر فقیهان (مگر برخی افراد نادر که چنین شرطی را نپذیرفته‌اند) و اینکه محاربه در صورت فقدان قصد مزبور صادق نخواهد بود، روایتی است که در کتاب قرب الاسناد آمده است. مطابق این روایت از امام علیه السلام در مورد شخصی که نسبت به دوستش نیزه و کارد کشیده بود، پرسیده شد و

حضرت در پاسخ فرمودند: اگر به عنوان شوخی بوده اشکالی ندارد.» (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۱۵۰).

۲-۳. بر هم خوردن امنیت در محیط

قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۷۹ با عبارت: «موجب ناامنی در محیط گردد» به رکن نتیجه جرم محاربه تصریح نموده است. این قید از آیه قرآن استفاده شده است: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا﴾ (مائده: ۳۳) تحقق فساد در زمین همان ناامنی محیط است که در کلام فقیهان و مفسران ذکر شده است. (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۵۱۴؛ طباطبایی، بی تا، ج ۵، صص ۳۲۶-۳۲۷).

حضرت آیت الله مکارم شیرازی نیز در پاسخ به استفتایی پیرامون محاربه و افساد فی الارض، قید ناامنی محیط را مورد تصریح قرار داده اند (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۶۴۸۴).

نتیجه اشتراط ناامنی اجتماع نیز این است که ارباب و ترساندن باید جنبه عمومی داشته باشد نه جنبه شخصی. در فقه امامیه نیز این نکته مورد توجه قرار گرفته است و به کاربردن عبارت «لإخافة الناس» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۶۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۷۹؛ فیض کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۹۸) یا لإخافة السابله» (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۴۳۳) و یا «اخافة السبیل» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۴۷؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ص ۲۵۱) در تعریف محاربه برای افاده همین معنا است که جرم، جنبه عمومی داشته و موجب ناامنی گردد.

در برخی متون فقهی نیز آمده است که چنانچه کشیدن اسلحه برای امتحان نمودن شخص یا اشخاصی باشد. برای مثال، می خواهد ببیند جرئت اشخاص یادشده چه اندازه است و در چنین مواقعی چه قدر خود را می بازند؟ و با هدف مزاح و شوخی اقدام به این کار کرده باشد یا خصومت شخصی با کسی داشته یا به منظور دفاع از خود و خانواده و دفع اهانت و مانند آن صورت پذیرد و با هدف ایجاد رعب و وحشت مرتکب این عمل نشده باشد، در این گونه موارد، عنوان مجرمانه محاربه تحقق نمی یابد (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۲۸۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۵۶۴؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۵۱۷).

ناگفته نماند، برای پیدایش عنوان محاربه لازم نیست که جمعی از مردم مورد یورش یا ارباب قرار گیرند؛ بلکه اگر یک نفر هم هدف باشد لیکن به گونه‌ای است که موجب ترس در میان عموم مردم می‌شود و به تعبیر دیگر، خوف شأنی وجود دارد و موجب ناامنی محیط می‌گردد؛ در این فرض نیز محاربه محقق می‌شود. به همین جهت در پاره‌ای از متون فقهی آمده است که تفاوتی بین واحد و متعدد نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۵؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۲۸۷).

البته در محاربه، قصد ترساندن همه مردم شرط نیست اگر قصد ترساندن مردم یک محله یا یک روستا را دارد و محیط یک محله یا یک روستا را ناامن کند باز محاربه صدق می‌کند. همچنین در محاربه قصد اخافه عموم مردم شرط نیست و اگر قصد اخافه اقشار خاصی از مردم؛ مانند قضات، اقلیت‌های مذهبی و قومی را داشته باشد، نیز محاربه محقق می‌گردد (رک: گنجینه استفتانات قضایی، سؤال ۶۷۳۲).

نتیجه این که برای تحقق جرم محاربه، هم قصد اخافه و هم تحقق اخافه در خارج لازم است؛ به بیان دیگر در مورد تفاوت این دو قید باید گفت: قید برهم خوردن امنیت در محیط، رکن نتیجه در جرم محاربه است و قید قصد تعرض به جان و مال یا قصد اخافه و ارباب مردم، رکن روانی جرم محاربه است و هر دو قید برای تحقق جرم محاربه لازم است و هر دو قید به روشنی در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ذکر شده است و توضیح هر دو قید در متن پاسخ بیان شده است.

پس با توجه به آنچه گذشت، باید گفت: همین که قاچاقچی مواد مخدر برای مأمور نیروی انتظامی سلاح بکشد یا سلاح خود را آشکار کند، عنوان محارب بر او صدق می‌کند. ماده ۲۱۸ ق.م.ا. صرف حمل سلاح از سوی قاچاقچیان را محاربه نمی‌داند؛ بلکه مقید شده به دست بردن به سلاح که همان کشیدن سلاح است و سلب امنیت مردم و راه‌ها است.

اکنون باید گفت: با کشیدن سلاح، نظم و امنیت برهم می‌خورد؛ ولی تنها به همراه داشتن سلاح، بدون آشکارکردن آن هرگز نظم و امنیت برهم نمی‌خورد و عنوان محاربه صدق نمی‌کند. بر فرض تنزل، بر شرکا و همراهان فردی که حامل سلاح است، عنوان محارب صدق نمی‌کند.

۳. چالش فقهی دیگر در گستره بند الف نسبت به معاون جرم محاربه

بند الف ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر با یک اشکال مهم دیگری هم روبرو است؛ هر چند به این اشکال در قسمت‌های قبل نیز اشاره شد و آن اشکال این است که اگر یکی از مرتکبین که شریک در عمل است، سلاح کشید یا سلاح همراه داشت، طبق این ماده باید همه آنان را اعدام کرد؛ زیرا در بند الف این ماده آمده است: «مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم، سلاح کشیده است.» حال سؤال این است: کسی که سلاح کشیده محارب است؛ ولی اشخاص دیگر که عنوان محارب بر آنان صدق نمی‌کند و مثلاً فرض کنید نفر دوم را به عنوان حامل و برابر آورده است و نفر سوم را به عنوان راننده آورده است، آیا عنوان محارب بر سایر شرکا صدق می‌کند و در نتیجه همه را باید اعدام نمود. امام خمینی علیه السلام تصریح می‌کند که فقط کسی که سلاح کشیده محارب است. ایشان می‌نویسد: «و لا للردء وهو المعین لضبط الأموال؛ حکم محارب برای کسی که در جمع آوری و نگهداری اموال کمک کرده جاری نیست.» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۲) این در حالی است که ظاهر این ماده این است که همه شرکا را باید در حکم مفسد فی الارض دانست و باید همه را اعدام کرد.

۴. تحقق جرم افساد فی الارض در سایر بندهای ماده ۴۵ الحاقی

در سایر بندهای ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶، قانون‌گذار حکم افساد فی الارض را بر قاچاقچیان مواد مخدر تطبیق داده است برای نقد فقهی تحقق عنوان افساد فی الارض بر قاچاق چیان مواد مخدر باید ابتدا ارکان و شرایط فقهی تحقق جرم افساد فی الارض را بررسی کرده و سپس تحقق این ارکان و شرایط را در مورد قاچاق چیان مواد مخدر بررسی کرد

۴-۱. ارکان جرم افساد فی الارض

ارکان جرم افساد فی الارض چنین است:

۴-۱-۱. عنصر قانونی

در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. در مورد افساد مقرر می‌دارد: «هرکس به‌طور گسترده مرتکب

جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»

حال مستندات شرعی جرم افساد فی الارض چیست؟ برخی از فقهای که افساد فی الارض را به عنوان یک جرم حدی مستقل از محاربه دانسته‌اند برای اثبات مشروعیت حد افساد فی الارض به عنوان حدی مستقل از محاربه به آیات قرآن، روایات و اجماع استناد کرده‌اند. (مؤمن، ۱۴۱۵، ص ۳۹۸) که در ادامه این امر بررسی می‌شود:

۱-۱-۴. استفاده حکم افساد فی الارض از آیه ۳۳ سوره مائده

اشکالی نیست که افساد فی الارض نزد خداوند مبعوض است؛ لذا این جرم در آیات متعددی نهی شده است. مانند آیات «وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» که در آیه ۶۰ سوره بقره، آیه ۸۴ سوره الاعراف، آیه ۸۵ سوره هود، آیه ۳۶ سوره عنکبوت، و آیه ۱۸۳ سوره الشعراء عیناً تکرار شده است. آیه ۸۵ سوره اعراف «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» آیه ۲۴ سوره رعد که آمده است «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» و لذا شکی در حرمت افساد فی الارض نیست. محل بحث آن است که آیا افساد فی الارض دارای عنوان مستقل مجرمانه هست یا دارای عنوان مستقل مجرمانه نیست؟ اصل بر حرمت قتل انسان محقون الدم است و به جهت اینکه مجازات افساد فی الارض قتل است در فرض شک در اثبات تشریح حکم افساد فی الارض باید به اصل حرمت قتل عمل کرد (مؤمن، ۱۴۱۵، ص ۳۹۸).

برخی از فقهای سابق شورای نگهبان در مقام دفاع از استقلال جرم «افساد فی الارض» از «محاربه» با استناد به آیه شریفه ۳۳ سوره مائده چنین اظهار نظر کرده‌اند:

«کلمه «جزاء» در آیه، دلالت می‌کند بر اینکه حدود مذکور در آیه، به‌عنوان مجازات در مقابل اعمال محاربان و مفسدان است. از یک‌طرف اضافه‌شدن این لفظ به موصول به‌وضوح دلالت بر آن دارد که صله مذکور، علت مجازات به چنین جزایی است. از طرف دیگر محاربه با خدا و رسول که همان قیام مسلحانه در مقابل حکومت اسلامی است، نزد عقلا از مصادیق آشکار فساد در زمین محسوب می‌گردد، اگر چه دایره عنوان فساد در زمین گسترده‌تر از آن است. اعمالی نظیر پخش مواد مخدر، گسترش اعتیاد در جامعه، یا تلاش برای آلوده‌کردن مردم به گناهیانی مانند زنا و بی‌بندوباری‌هایی دیگر، همه تلاش برای فساد در زمین است، اگر چه همراه با سلاح نباشد. پس ذکر عنوان محاربه در ابتدا و سپس عطف «سعی در فساد در زمین» بر آن، در مقام بیان علت تعدد مجازات، دلالت دارد بر آنکه «سعی در افساد زمین» علت اساسی و تمام سبب برای ترتب چند نوع مجازات مذکور است؛ بنابراین هرگاه این عنوان محقق شد اگرچه بدون عنوان محاربه باشد برای ترتب مجازات‌های مذکور کافی است» (مؤمن، ۱۳۸۲، صص ۵۵-۵۶).

آیت‌الله جوادی آملی در این خصوص بیان می‌دارند: «مقصود از «زمین» در «یسعون فی الارض فساداً» مکان زندگی انسانی است، چون اگر مراد از زمین، خصوص خشکی در مقابل دریا باشد راهزنان دریایی مشمول آیه نمی‌شوند... بر این پایه «فی الارض» قید غالبی است و مراد از آن، مکان زندگی انسان‌هاست در هر نقطه‌ای از نظام کیهانی باشد تفاوت نمی‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۲۲، ص ۳۷۸).

تقیید افساد به قید «فی الارض» برای دلالت بر این معناست که «فساد در زمین حلول می‌کند و زمین فاسد می‌شود» بر این اساس، افساد در زمین به معنای تباه کردن زمین است. اما نه بدان معنا که ذات زمین تباه می‌شود بلکه بدان معنا که آن حالت اصلاح و سامانی که در زمین است تباه می‌شود. نتیجه آنکه، اثر ظرف در مثل این ترکیب «و یسعون فی الارض فساداً»، تقیید فساد به زمین است و در این ترکیب نسبت فساد به زمین، نسبت حلولی است، یعنی فساد حلول می‌کند در زمین و زمین فاسد می‌شود و صلاحیت آن برای استقرار زندگی انسان از میان می‌رود. وجدان عرفی بر این معنا گواهی می‌دهد و ملاحظه موارد استعمال این ترکیب در دیگر

آیات قرآن کریم هم بر همین معنا تأکید دارد. در برخی از آیات، میان «افساد فی الارض» و «اصلاح الارض» مقابله صورت گرفته است: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا» (اعراف: ۵۶)، «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۸۵) تقابل بین «افساد فی الارض» و «اصلاح الارض»، می فهماند که مراد از «افساد در زمین» «افساد زمین» است یعنی نقطه مقابل اصلاح زمین، نه صرف معنای ظرفیت و اینکه زمین ظرف وقوع فساد است. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹، صص ۲۳۶-۲۳۸) به طور خلاصه می توان چنین گفت: قید «فی الارض» فساد خاصی را بیان می کند که ضرر آن تنها متوجه شخص گناه کار نیست بلکه سلامت و امنیت عادی یک مجتمع انسانی را بر هم می زند. تعبیر «يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» چون فعل مضارع است و استمرار را می رساند و با قید « فَسَادًا » که مفعول مطلق نوعی است بر اعتبار قید گسترده بودن فساد در صدق جرم افساد دلالت دارد.

۲-۱-۴. عنصر مادی

عنصر مازدی این جرم در جرایم خاص همان موضوع خاص آن جرم است؛ مانند قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن که موضوع آن جرایم مربوط به مواد مخدر است یا ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام که موضوع آن تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری است یا موضوع قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور، اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه، قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن و سایر موارد مذکور در ماده ۱ قانون مذکور است. عنصر مادی جرم افساد فی الارض در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. عبارت است از: جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک، اشاعه فساد یا فحشا و دایر

کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنهاست مشروط به آنکه به طور گسترده انجام شود و موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی در حد وسیع گردد (قانون مجازات اسلامی؛ ۱۳۹۲، ماده ۲۸۶؛ پنجه پور و همکاران، ۱۴۰۰، ج ۴۸، ص ۴۸۳).

۳-۱-۴. عنصر روانی

جرم افساد فی الارض همانند سایر جرایم عمدی نیازمند رکن معنوی است و باید قصد و نیت مرتکب برای افساد فی الارض احراز شود. سوءنیت در حقوق کیفری به سوءنیت خاص و عام تقسیم می‌شود. در برخی از جرایم علاوه بر سوءنیت خاص که همان قصد ارتکاب جرم باشد به سوءنیت خاص نیز نیاز است. به نظر برخی از حقوق‌دانان جرم افساد فی الارض از این دسته از جرایم است و علاوه بر سوءنیت عام به سوء خاص نیز نیاز دارد. سوءنیت خاص در جرم افساد فی الارض به استناد تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا. عبارت است از: قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده می‌باشد (پنجه پور و همکاران، ۱۴۰۰، ج ۴۸، ص ۴۸۳).

۲-۴. مرجع تشخیص شرایط تحقق جرم افساد فی الارض

در ماده ۲۸۶ ق.م.ا، در مقام بیان شرایط کمی و کیفی تحقق جرم افساد فی الارض عباراتی نظیر «گسترده»، «اخلال شدید»، «خسارت عمده» و «در حد وسیع» استعمال شده، بدون آنکه شاخص، معیار، ضابطه و میزان دقیقی برای سنجش این شرایط معرفی نماید.

معیار تشخیص عبارات مندرج در ماده ۲۸۶ ق.م.ا و شرایط تحقق جرم افساد فی الارض، صدق عرفی و تشخیص عرف به تطبیق مفهوم افساد بر مصداق خارجی است.

برای مثال برخی فقیهان برای صدق اعتیاد به قتل که ملاک تحقق افساد در زمین است، ضوابط عددی مطرح کرده‌اند، از قبیل تعدد جرم در دو یا سه یا چهار بار.

(فخرالمحققین، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۵۹۴؛ شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۵۹) ابتدا به متن برخی از انظار فقهی از فخرالمحققین، شهید ثانی و صاحب ریاض اشاره می‌شود و سپس تحلیل و نتیجه گرفته می‌شود.

فخرالمحققین پس از طرح بحث اعتیاد به قتل ذمی توسط مسلمان که از مصادیق جرم افساد فی الارض بوده و در نظر او موجب قصاص است، ضوابط عددی که راهنمای شناخت عرفی اعتیاد است را مطرح می‌کند و می‌نویسد: «برخی گفته‌اند با دو بار قتل، اعتیاد محقق می‌شود، زیرا اعتیاد از ماده عود است و عود نیز به معنای برگشت دوباره است. برخی گفته‌اند با سه بار قتل، اعتیاد محقق می‌شود، زیرا ثبوت عادت شرط در قصاص است و شرط مقدم بر مشروط است در نتیجه دو بار که قتل انجام داد در مرتبه سوم عادت محقق می‌شود. قتل در مرتبه سوم سبب عادت است و عادت سبب قصاص است. لکن اقوی در نزد من آن است که ملاک تحقق عادت، عرف است.» (فخرالمحققین، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۵۹۳) شهید ثانی و صاحب ریاض نیز عرف را مرجع می‌دانند. (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۵۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۱۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۲۴۴) زیرا در این موارد صدق عرفی بر لغت ترجیح دارد. وقتی قانون‌گذار در مورد ملاک‌های «به طور گسترده»، «در حد وسیع»، «اخلال شدید» و «خسارت عمده» سکوت کرده و ضابطه اجرایی نداده است، بدین معناست که تشخیص مصادیق را به عرف احاله داده است. (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۴۰۶) تبصره ماده ۲۸۶ نیز تشخیص عرف را به قاضی احاله داده است (بخشی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۲).

این مسئله نیز محل اتفاق است که در موضوعات تخصصی، عرف خاص متخصصان و ویژه دانان بر عرف عام، غلبه دارد. ازاین‌رو قاضی با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان در زمینه مسائل امنیتی و اجتماعی به تطبیق حکم ماده قانونی با مصداق آن می‌پردازد؛ چنان‌که آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی در پاسخ به استفتایی پیرامون تفسیر واژه‌های مندرج در ماده ۲۸۶ ق.م.ا چنین می‌فرمایند: «در صورتی که در مواد قانونی یا فتاوی فقهی، این الفاظ تفسیر نشده است، باید به عرف عام مراجعه کرد و در مواردی که احتیاج به کارشناسی دارد، به کارشناس مراجعه شود» (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۸۶۲۶).

در نظریات فقهی و پاسخ مراجع به استفتائات و نظریات دکترین و آرای مشورتی قضایی به این مهم تصریح شده است (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۸۶۲۶).
 امام خمینی علیه السلام در پاسخ به استفتایی در همین مورد می‌فرمایند: «محارب و مفسد دو موضوع است و تشخیص آن با محاکم صالحه است» (امام خمینی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۶۵).
 در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۹۰۶ - ۱۳۹۴/۱۱/۲۱ اداره حقوقی قوه قضاییه در این رابطه چنین تدوین شده است: «...اخلال شدید در نظم عمومی کشور نیز امری عرفی است و تشخیص آن با توجه به میزان آثار و تبعات جرم به عهده قاضی رسیدگی کننده است...».

۴-۳. تطبیق ارکان و شرایط جرم افساد فی الارض بر ماده ۴۵ الحاقی

قبلاً گذشت که مجازات قاچاقچیان در بند الف ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶، از باب صدق محارب است؛ ولی مجازات سایر قاچاقچیان مواد مخدر مذکور در سایر بندهای قانون مذکور از باب صدق افساد فی الارض است. اکنون پس از روشن شدن ارکان جرم افساد فی الارض و اینکه عرف، مرجع است نوبت این می‌رسد که هر یک از بندهای ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر را به‌طور مستقل بررسی کرده و بر فقه عرضه شود.

۴-۳-۱. چالش فقهی در گستره بند ب ماده ۴۵

در بند ب از ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مقرر می‌دارد: ب. در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار را داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.

بر اساس این بند اگر دو برادر یا یک پدر و فرزند مشغول قاچاق مواد مخدر باشند و کل مواد آنان دو یا سه کیلو تریاک باشد، چون یکی از این دو نقش سردستگی را داشته باید اعدام شود و نیز اگر یکی از آنان سن کمتر از ۱۸ سال داشته باشد باید فردی که بیش از ۱۸ سال دارد را اعدام کرد؛ چون او فرد کمتر از ۱۸ سال را با خود همراه کرده است. مثلاً اگر دو جوان که یکی از آنان دارای هیجده

سال و یک هفته باشد و دیگری یک هفته کمتر از هیجده سال سن داشته باشد به غرب کشور رفته و با سرمایه آن که ۱۸ سال داشته دو کیلو تریاک خریده و آوردند و دستگیر شدند بگوئیم حکم این دو متفاوت است.

پس از بیان این دو مثال از نظر فقهی چند اشکال متوجه بند ب ماده ۴۵ الحاقی است:

اشکال نخست این است که سن تکلیف در نظر قانون‌گذار برای پسر ۱۵ سال است اکنون چرا در اینجا سن ۱۸ سال معیار قرار گرفت؟ اگر گفته شود در امور جزائی رشد معتبر است باید گفت تحقق رشد را نمی‌توان به ۱۸ سال منوط کرد.

اشکال دوم این است که عنوان افساد فی الارض حقیقت شرعیه ندارد و تعریف آن با فقها و تطبیق آن بر موضوع با عرف است و تشخیص آن با عرف است تعریف فقها از افساد شامل فرض بحث نمی‌شود و مصداقاً نیز از نظر عرف این‌گونه نیست که تحقق افساد فی الارض به سن ۱۸ سال مرتبط باشد درحالی‌که فرد ۱۷ ساله و ۱۸ ساله هر دو بالغ هستند و قطعاً سن آنان دخالت در این حکم ندارد و نمی‌توان گفت؛ چون آن که کمی بیش از ۱۸ سال داشته و سرمایه از او بوده او مفسد فی الارض است.

اشکال سوم این است که اگر یک گروه دونفره مثل پدر و پسر که هر دو هم سن بالای ۱۸ سال دارند با سرمایه پدر دو کیلو مواد را تهیه کردند باید پدر را اعدام کرد درحالی‌که در نظر عرف، فرقی بین این پدر و پسر نیست و با توجه به تعریف فقها و قانون‌گذار از افساد فی الارض، جرم افساد در مورد هیچ یک از این دو نفر تحقق نیافته است.

۲-۳-۴. چالش فقهی در اطلاق گستره بند پ ماده ۴۵

اطلاق بند پ نیز از نظر فقهی ناتمام است و مفاد آن اعدام فردی است که عنوان مفسد فی الارض بر آن صدق نمی‌کند. در بند پ از ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مقرر می‌دارد: «پ. مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرایم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال داشته باشد.»

حال فرض کنید فردی سابقاً به علت همراه داشتن نیم کیلو تریاک به کمی بیش از پانزده سال حبس محکوم شده است و اکنون در مرخصی از زندان نیز او را به علت همراه داشتن صد گرم تریاک دستگیر کرده باشند که مدعی است برای مصرف شخصی خود تهیه کرده است. اکنون طبق این بند پ چون قبلاً به حبس بیش از پانزده سال محکوم شده و اکنون نیز او را با کمی تریاک دستگیر کرده‌اند طبق بند پ قانون مذکور محکوم به اعدام خواهد شد در حالی که این فعلی که اکنون به جهت آن دستگیر شده بر آن افساد فی الارض صدق نمی‌کند و جمع این فعل با فعل قبلی نیز سبب صدق عنوان افساد فی الارض نمی‌شود. هرگاه در صدق عنوان افساد فی الارض نیز تردید حاصل شود باید اصل را بر عدم تحقق جرم افساد فی الارض گذاشت که در ادامه به تبیین این امر پرداخته می‌شود.

۱-۲-۳-۴. اصل عدم تحقق جرم افساد فی الارض با تردید در تحقق قصد یا علم به افساد گسترده

تبصره ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به موثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان‌بار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود».

در صورت شک در تحقق شرایط، مقتضیات و عناصر مقوم جرم افساد فی الارض، قاعده درء و قاعده احتیاط در دماء و قاعده تفسیر مضیق قوانین کیفری، و قاعده تفسیر به نفع متهم اقتضا می‌کند چنین موردی افساد فی الارض نباشد. آنچه در تبصره ماده ۲۸۶ در مورد جرم افساد فی الارض بیان شده مصداقی است از قاعده عمومی که در ماده ۱۲۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر شده است که می‌گوید: «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد، جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود».

۲-۳-۴. اصل عدم تحقق جرم افساد فی الارض با تردید در تحقق آثار گسترده فسادآور از منظر فقیهان، تحقق نتایج، آثار و پیامدهای گسترده فساد با ارتکاب جرایم ابتدایی و منشأ تحقق افساد فی الارض باید قطعیت داشته باشد تا بتوان متهم را محکوم به افساد فی الارض کرد و با تردید در حصول این نتایج نمی توان بدان حکم کرد (مکارم شیرازی: ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۶۰؛ پاسخ آیت الله سبحانی، گنجینه استفتانات قضایی، ۸۶۲۶).

۳-۳-۴. چالش فقهی در گستره بند ت ماده ۴۵

اطلاق بند ت نیز از نظر فقهی ناتمام است و مفاد آن اعدام فردی است که عنوان مفسد فی الارض بر آن صدق نمی کند. در بند ت از ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مقرر می دارد: «ت. کلیه جرایم موضوع ماده (۴) این قانون مشروط بر این که بیش از پنجاه کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط بر این که بیش از دو کیلوگرم باشد و در خصوص سایر جرایم موضوع تبصره ماده (۸) در صورتی که بیش از سه کیلوگرم باشد. اجرای این بند نسبت به مرتکبان، متهمان و مجرمان، قبل از لازم الاجرا شدن این ماده منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای (الف)، (ب) یا (پ) نیز است.»

در بند ت فرد قاچاقچی در سطح وسیعی دست به جرم زده است و بیش از پنجاه کیلو تریاک با خود دارد یا بیش از سه کیلو مثلاً هروئین همراه دارد به گونه ای که سطح وسیعی از جامعه را با این مواد آلوده می کرد تعریف فقها از افساد فی الارض شامل او می شود عرف نیز او را مصداق مفسد می داند.

البته در مشروح مذاکرات فقها و حقوق دانان شورای نگهبان شبهه ای مطرح شده است که اگر مثلاً پنجاه کیلو مواد مخدر را برای مصرف شخصی یا فروش به افراد معتاد تهیه کرده است و نمی خواهد افراد جدیدی را معتاد کند در این صورت افساد فی الارض صدق نمی کند یا صدق آن مشکوک است: «اگر طرف این را به معتادها نفروشد و خودش هم آن را مصرف نکند و فقط آدم هایی را پیدا کند که غیر معتاد هستند و بخواهد آنها را گیر بیندازد و صد نفر را معتاد کند، ممکن است بتوانیم بگوییم که اقدام این شخص، افساد فی الارض است» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶، ص ۶).

فرض کنید ده نفر معتاد یک نفر را اجیر کرده‌اند که برای هر یک از آنان پنج کیلو تریاک بیاورد و این تریاک را برای مصرف شخصی خود می‌خواهند و نمی‌خواهند دیگران را معتاد کنند در این صورت روشن است که عنوان افساد فی الارض صدق نمی‌کند یا حداقل صدق آن مشکوک است و گفته شد در فرض شک نمی‌توان حکم افساد را جاری دانست.

پیشنهاد می‌شود ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر به این صورت اصلاح شود: «مرتکبان جرایمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند در صورت احراز یکی از شرایط ذیل به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روان‌گردان محکوم و در غیر این صورت، حسب مورد «مشمولین به اعدام» به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و «مشمولین به حبس ابد» به حبس و جزای نقدی درجه دو و در هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان محکوم می‌شوند:

الف) هر یک از مباشرین جرم که به‌سوی مردم سلاح کشیده یا به‌قصد مقابله با مأموران، سلاح خود را آشکار کرده و موجب ناامنی در محیط شده باشند. منظور از سلاح در این بند، سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ است.

ب) در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار را داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانین برای ارتکاب جرم به طور گسترده استفاده کرده باشد.

پ) مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرایم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال داشته باشد و بر مجموع اعمال او جرم افساد فی الارض صدق کند.

ت) کلیه جرایم موضوع ماده (۴) این قانون مشروط بر این‌که بیش از پنجاه کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط بر این‌که بیش از دو کیلوگرم باشد و در خصوص سایر جرایم موضوع تبصره ماده (۸) در صورتی که بیش از سه کیلوگرم باشد و قصد قاچاقچیان معتاد کردن دیگران باشد.

اجرای این بند نسبت به مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم‌الاجرا شدن این ماده، منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای (الف)، (ب) یا (پ) نیز هست.»

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، چالش‌های فقهی بندهای چهارگانه مجازات اعدام مقرر در ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مورد بررسی، تحلیل و نقد قرار گرفت. از نتایج این پژوهش آن است که قانون‌گذار در بند الف ماده الحاقی قاچاقچیان را از باب محارب محکوم به اعدام دانسته است؛ درحالی‌که صدق محارب به مجرد همراه داشتن سلاح ممنوع است. و اطلاق بند الف نیز از جهاتی که ذکر شد ناتمام است و در بند ب قانون‌گذار سن ۱۸ سال را ذکر کرد درحالی‌که سن بلوغ برای پسر پانزده سال قمری است و سن رشد نیز در فقه و حقوق به سن ۱۸ سال مقید نیست.

بر اساس بند پ ماده ۴۵ این قانون، کسی که به علت ارتکاب جرایم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال داشته باشد اگر به خرید و فروش مواد مخدر بپردازد، محکوم به اعدام می‌شود؛ درحالی‌که این اطلاق مخدوش است؛ زیرا ارکان جرم افساد فی الارض در همه این موارد نیز صدق نمی‌کند و در موارد شک در صدق افساد فی الارض نمی‌توان حکم افساد را مترتب کرد.

طبق گستره بند ت ماده ۴۵ این قانون اگر مقدار تریاک بیش از ۵۰ کیلو باشد یا مقدار هروئین بیش از مقدار ذکر شده در این قانون باشد به اعدام محکوم می‌شود؛ درحالی‌که صدق عنوان افساد در این موارد نیز مشکوک بوده و اطلاق این حکم از نظر فقهی ناتمام است.

فهرست منابع

کتب

- قرآن کریم

۱. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق) مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. بخشی‌زاده اهری، امین، حسین میرمحمد صادقی، (۱۳۹۲ش) تحولات و رویکردهای نوین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تطبیق ماده به ماده با قانون ۱۳۷۰، تهران: اندیشه عصر.
۳. پژوهشکده شورای نگهبان (گردآورنده) (۱۳۹۶ش)، نظرات استدلالی شورای نگهبان قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۹۶، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۰ش) تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
۵. حر عاملی، (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶. حسینی عاملی، سید جواد (۱۴۱۹ق) مفتاح الكرامة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. حلبی، ابوالصلاح، (۱۴۰۳ق) الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۸. حلّی، ابن ادريس (۱۴۱۰) السرائر، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. حلّی، حسن بن یوسف {علامه حلّی} (۱۴۲۰ق) تحریر الأحكام الشرعية (ط - الحدیثه)، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۰. حلّی، نجم‌الدین جعفر، {محقق حلّی} (۱۴۰۳ق) شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، تهران: انتشارات استقلال.
۱۱. _____ (۱۴۱۸ق) المختصر النافع فی فقه الإمامیه، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۹۵ش)، ج ۴۱ موسوعه، مبانی تکملة المنهاج، قم: مدینه العلم.
۱۳. زراعت، عباس، (۱۳۹۳ش) شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی - حدود (سب‌النبی، مصرف مسکر، سرقت، محاربه...)، تهران: جاواده، جنگل.
۱۴. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۰ق) الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشّی - کلانتر)، قم: کتاب‌فروشی داوری
۱۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۳ق) مسالک الأفهام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۱۶. طباطبایی حائری، سید علی، (۱۴۱۸ق) ریاض المسائل، مؤسسه آل‌البتیت.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین، {علامه طباطبائی} (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۱۸. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، {شیخ طوسی} (۱۳۸۷ش) المبسوط فی فقه الإمامیه، مصحح: سید محمدتقی کشفی، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۱۹. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۸۳ش) جامع المسائل، قم: انتشارات امیر العلم.

۲۰. فخر المحققین حلی، (۱۳۸۷ش) *ایضاح الفوائد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۱. فیض کاشانی، بی تا، *مفاتیح الشرائع*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق) *الکافی*، تهران: درالکتب الاسلامیه.
۲۳. گلپایگانی، سید محمدرضا، (۱۴۱۲ق) *الدر المنصود فی أحكام الحدود*، قم: دارالقرآن الکریم.
۲۴. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ق) *روضه المتعین*، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۲۵. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۳۰ق) *المقنعه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی جامعه مدرسین.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ق) *استفتائات جدید*، قم: انتشارات مدرسه امام علی علیه السلام.
۲۷. _____، _____ (۱۴۲۵ق) *تعزیر و گستره آن*، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۸. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، (۱۴۲۷ق) *فقه الحدود و التعزیرات*، قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید.
۲۹. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۴ش) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۰. _____، _____ (۱۴۲۲ق) *استفتائات*، قم: دفتر انتشارات اسلامی قم.
۳۱. مؤمن قمی، محمد، (۱۳۸۵ش)، *کاوشی در مجازات محارب و مفسد فی الارض*، فقه اهل بیت، ش ۳۵.
۳۲. _____، _____ (۱۴۱۵ق) *کلمات سدیة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق) *جواهر الکلام*، بیروت: درالکتب العلمیه.
۳۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۴۱۹ق) *بایسته های فقه جزا*، تهران: نشر میزان.
۳۵. _____، _____ (۱۴۲۳ق) *قراءات فقهیه معاصره*، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

مقالات

۱. آشوری غلامرضا، حجت الله فتحی، محمدعلی حیدری. (۱۴۰۱ش) دو فصلنامه علمی فقه مقارن، سال دهم، شماره ۱۹.
۲. پنجه پور، جواد، محمدابراهیم احمد عابدینی نجف آبادی، (۱۴۰۰ش) *افساد فی الارض* از وصف جزایی تا جرمی مستقل با تکیه بر آموزه های قرآنی، نشریه: فصلنامه دین پژوهی و کتابشناسی قرآنی، شماره ۴۸.
۳. کاکاوند، شهره و میلانی، علیرضا، ۱۳۹۸، مقاله تحلیل ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر با هدف محدود سازی مجازات اعدام، <https://civilica.com/doc/>
۴. موسوی مجاب، سید درید و احمدزاده، رسول و رستمی، سینا. (۱۳۹۹ش) *واکاوی سیاست جنایی قانون گذار در ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر*، نشریه آموزه های حقوق کیفری، دوره ۱۷، شماره ۱۹.